



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

۰۴ اپریل، ۲۰۲۴

نویسنده: Melvin Goodman

ترجمه: میر عبدالرحیم عزیز

اضلاع متحده و شرق میانه: سیاست اشتباه محاسباتی

تجربه ایالات متحده در شرق میانه یک مطالعه کلاسیک از اشتباهات محاسباتی سیاسی و نظامی است که منجر به شکست ستراتیژیک میشود. حمایت سیاسی جو بایدن از بنجامین نتانیاهو صدر اعظم اسرائیل که به دشواری در حال آزمایش است و حمایت نظامی او از قوای نظامی اسرائیل که ایالات متحده را در کارزار نسل کشی اسرائیل شریک می کند، آخرین و بدترین نمونه اشتباه محاسباتی ایالات متحده است. در مجموع، اعمال قدرت نظامی ایالات متحده در شرق میانه که برای کسب مزیت ستراتیژیک طراحی شده، نتیجه معکوس داشته است. این امر منجر به بی نظمی در شرق میانه و خلیج فارس گردیده و فرصت های دیپلماتیک را برای روسیه و چین باز کرده است.

آغاز نوین اشتباه محاسباتی ایالات متحده در شرق میانه تقریباً ۷۰ سال قبل اتفاق افتاد، زمانی که جان فاستر دالس، وزیر خارجه، پیشنهاد حمایت از ساخت بند اسوان مصر را ارائه داد و سپس به طور ناگهانی از آن عقب نشینی کرد. وقتیکه دالس در برابر فشارهای جناح راست برای توقف حمایت مالی از بند اسوان، سر تسلیم فرود آورد، جمال عبدالناصر، رئیس جمهور مصر، شرکت کانال سوئز را ملی کرد. پیشنهاد اولیه به مصر باعث ایجاد نگرانی سیاسی در اسرائیل شد که منجر به افزایش عظیم حمایت نظامی فرانسه از اردوی اسرائیل و سر انجام به طرح مخفی برتانیه، فرانسه و اسرائیل

برای حمله به سینا و تأمین امنیت کانال سوئز گردید. عقب نشینی کمک های ایالات متحده همچنان در را برای افزایش نفوذ شوروی در قاهره باز کرد و ملی شدن کانال منتج به تهاجم سه گانه برتانیه، فرانسه و اسرائیل به مصر شد.

مصر با انتقاد پرزیدنت آیزنهاور از تهاجم سه جانبه عاملانۀ برخورد کرد، اما اعلام دوکتورین آیزنهاور یک سال بعد روحیۀ انتقادی از ناصر و تقویت روابط شوروی و مصر داشت. دوکتورین آیزنهاور به حمایت مخفیانه سی آی ای از مخالفان سیاسی ناصر و همچنان تحریم جدی اقتصادی منجر شد. تحریم به عنوان نمونه ای برای تحریم های بعدی (عمدتاً ناموفق) علیه کشورهای جهان سومی مانند کیوبا و لیبیا عمل کرد که فرصت های بیشتری را برای نفوذ دیپلماتیک شوروی باز نمود.

جنگ های رئیس جمهور جورج اچ دبلیو بوش و جورج بوش (پسر) پیامد های غیرمنتظره عظیمی داشتند که تا حال مشکلات سیاسی و نظامی را برای ایالات متحده در سراسر منطقه خلق میکند. جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۰ که عموماً به عنوان طوفان صحرا شناخته می شود، توسط اکثر صاحب نظران به عنوان یک موفقیت بزرگ برای منافع ایالات متحده بوده است، اما احتمال جلوگیری از جنگ هم وجود داشت.

میخائیل گوربچف، رئیس جمهور شوروی، موافقت صدام حسین برای خروج نیروهای عراقی از کویت را دریافت کرده بود، اما برای دولت بوش که متعهد به استفاده از زور بود، دیر شده بود. این جنگ منجر به مشکلات جدی برای رئیس جمهور بیل کلینتن در شرق میانه در طول دو دوره ریاست جمهوری اش گردید. برعلاوه، عملیات طوفان صحرا الهام بخش اسامه بن لادن برای حمله به ایالات متحده بود.

جالب این است که بوش ارشد و مشاور امنیت ملی او، جنرال برنت سکوکرافت، تلاش جدی برای منصرف کردن بوش پسر از تصمیم سرنوشت سازش برای سرنگونی صدام حسین در سال ۲۰۰۳ انجام دادند، تصمیمی که شبیه به جنگ ویتنام به عنوان دو بدترین اشتباه محاسباتی در تصامیم ایالات متحده غرض رفتن به جنگ بود. بوش بزرگ

استدلال کرد که استفاده از قدرت نظامی ایالات متحده میتواند منجر به شکست دولت عراق و به خطر افتادن موازنه قدرت طویل‌المدت در خلیج فارس شود که واقعاً چنین شد. ایالات متحده هیچ دلیل واقعی برای جنگ علیه عراق نداشت، بنابراین یک حالت جعلی را در مورد تسلیحات هسته‌ای غیرموجود خلق نمود. جورج تنت، رئیس‌سی‌آی‌ای، با ارائه گزارش‌های اطلاعاتی نادرست به قصر سفید، به رئیس‌جمهور در طرح این توطئه کمک کرد. تنت به رئیس‌جمهور اطمینان داد که ارائه چنین اطلاعاتی یک عمل ساده خواهد بود. سکوکرافت مقاله‌ای برای اخبار نیویورکر نوشت تا به بوش جوان یادآوری نماید که اداره پدرش دلایل خوبی برای توقف تهاجم ایالات متحده در سرحد عراق در سال ۱۹۹۱ داشت.

سکوکرافت به این نتیجه رسید که تهاجم ایالات متحده منجر به جنگ داخلی در عراق خواهد شد و مستلزم حضور نظامی ایالات متحده برای مدت طولانی خواهد بود. در واقع، چندین هزار نیروی نظامی ایالات متحده هنوز در عراق هستند و با حضور ایران در حال مبارزه می‌باشند. حمله آمریکا بالاخره در را به روی ایران باز کرد.

جو بایدن ممکن است تاثیرگذارترین اشتباه محاسباتی هر رئیس‌جمهور آمریکا را انجام داده باشد، زیرا معتقد است که کمک‌های عظیم نظامی و اقتصادی به اسرائیل منجر به نفوذ ایالات متحده بر تصمیم‌گیری‌های اسرائیل و همچنین تعدیل سیاست‌های اسرائیل در کرانه باختری و غزه میشود. هیچ دلیلی وجود ندارد که بایدن از مخالفت بنجامین نتانیاهو که منافع ایالات متحده را به خطر می‌اندازد متعجب گردد. نتانیاهو اغلباً اعلام شهرسازی‌های جدید در ساحات باختری را در طول سفرهای مقامات رسمی آمریکا، از جمله دو سفر بایدن و سخنانی صدراعظم اسرائیل در سال ۲۰۱۵ در نشست مشترک کانگرس به منظور جلوگیری از توافق هسته‌ای ایران و بالاخص بررسی و کاهش حمایت نظامی آمریکا را زمان بندی کرد.

بایدن همچنان باید میدانست که با انتقاد از تهاجم غیرقانونی و غیراخلاقی روسیه به اوکراین در حالیکه در جنگ غیرقانونی و غیراخلاقی اسرائیل در غزه شریک است، نمی تواند این کار را انجام دهد. واقعاً هیچ تفاوت اخلاقی بین کارزار وحشتناک رئیس جمهور پوتین برای از بین بردن خود مختاری و حاکمیت اوکراین و کارزار وحشتناک نتانياهو برای خفه کردن فلسطینی ها وجود ندارد. بایدن همچنان بر اهمیت "روز بعد" در مورد جنگ غزه تأکید میکند، زمانیکه نیاز فوری امروز به آتش بس و پایان اشغالگری اسرائیل باید بالاترین اولویت را داشته باشد. شاید بایدن مبارزات انتخاباتی مجدد خود را حول حمایت از اوکراین به راه اندازد، اما تلاش برای انتخاب مجدد او ممکن است به دلیل همدستی با نتانياهو و اردوی اسرائیل شکست بخورد.

پایان